

گفت‌وگو

عضو نهاد اتاق فکر بروکسل در گفت‌وگو با قدس:

ایران به نماد مقاومت در افکار عمومی جهان تبدیل شده است

امیرحسین مقیمی |در شرایطی که جهان در حال عبور از یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود است و بسیاری از معادلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی گذشته با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند، تحولات مربوط به ایران بیش از هر زمان دیگری در کانون توجه افکار عمومی، نخبگان و تحلیلگران قرار گرفته است.

دکتر ابوالفضل بهشتی، عضو نهاد اتاق فکر بروکسل، در گفت‌وگویی تفصیلی باقدس معتقد است: آنچه امروز در برابر دیدگان جهانیان در حال وقوع است، صرفاً یک اختلاف سیاسی میان ایران و غرب نیست، بلکه نشانه‌ای از تغییر تدریجی موازنه قدرت در جهان و آغاز دوران تازه‌ای از مناسبات بین‌المللی است؛ روندی که به باور او بیش از آنکه در میدان‌های نظامی شکل بگیرد، در عرصه افکار عمومی و تغییر روایت‌های جهانی در حال رقم خوردن است.

■ از پاریس تا تنگه هرمز؛ غرب در برابر واقعیت جدید جهان

بهشتی با اشاره به نشست گروه هفت و حضور دونالد ترامپ در این اجلاس می‌گوید: غرب امروز با مجموعه‌ای از بن‌بست‌های راهبردی روبه‌رو شده است. ایران در افکار عمومی جهان جایگاهی پیدا کرده که حاصل سال‌ها ایستادگی و مقاومت در برابر فشارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای است. اگر ایران حتی برای لحظه‌ای از اصول و مواضع خود عقب‌نشینی کند، در واقع به افکار عمومی جهانی که مقاومت ملت ایران را تحسین می‌کند، پیام اشتباهی خواهد داد.

وی معتقد است: تغییر مداوم مواضع ترامپ و تناقض‌های آشکار در سخنان او، نشانه سردرگمی بخشی از ساختار سیاسی غرب در مواجهه با واقعیت‌های جدید منطقه و جهان است. ترامپ در یک بن‌بست جدی قرار گرفته است. هر روز سخنی متفاوت از روز قبل می‌گوید و اطر اقیانوش ناچارند مواضع او را اصلاح یا تفسیر کنند. این تناقض‌ها نشان می‌دهد آن‌ها در برابر تحولات جدید، راهبرد روشن و منسجمی ندارند.

عضو اتاق فکر بروکسل یکی از مهم‌ترین دلایل نگرانی غرب را جایگاه راهبردی ایران در معادلات انرژی جهان می‌داند و می‌گوید: تنگه هرمز برای بسیاری از مراکز قدرت جهانی به یک مسئله تعیین‌کننده تبدیل شده است. آن‌ها به خوبی می‌دانند هر گونه تحول در این منطقه می‌تواند بر اقتصاد جهانی تأثیر مستقیم بگذارد. در همین دلیل ایران در معادلات ژئوپلیتیکی امروز جایگاهی دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

وی همچنین به همکاری‌های راهبردی ایران با چین و روسیه اشاره کرده و می‌گوید: غرب تلاش کرد میان ایران، چین و روسیه فاصله ایجاد کند، اما نتیجه برعکس شد. امروز همکاری‌های این کشورها بیش از گذشته گسترش یافته و همین مسئله یکی از نگرانی‌های اصلی قدرت‌های غربی به شمار می‌رود.

■ «جنگ رمضان»؛ تلاشی برای ضرب زدن به هویت ایرانی و اسلامی

بهشتی معتقد است: بخشی از فشارها و اقدام‌ها علیه ایران در دوره اخیر با محاسباتی فراتر از عرصه نظامی طراحی شده بود. او می‌گوید: به اعتقاد من، زمان‌بندی برخی تحولات اتفاقی نبود. هم‌زمانی آن‌ها با ماه مبارک رمضان و ایام نوروز نشان می‌دهد طراحان این اقدام‌ها تنها به دنبال اهداف نظامی نبودند، بلکه دو عنصر مهم هویت ایرانیان، یعنی باورهای دینی و انسجام ملی را هدف قرار داده بودند.

او ادامه می‌دهد: تصور می‌کردند اگر در چنین مقطعی فشارها افزایش یابد، جامعه ایران دچار تزلزل خواهد شد. گمان می‌کردند با فشار روانی، ایجاد ناامنی و هدف قرار دادن ارکان قدرت ملی می‌توانند روحیه مقاومت را تضعیف کنند، اما نتیجه دقیقاً برعکس شد و جامعه ایران انسجام بیشتری پیدا کرد.

وی تأکید می‌کند: همان جریان‌ی که تا دیروز از فشار، تحریم و تقابل سخن می‌گفت، امروز از مذاکره و صلح صحبت می‌کند و این خود نشانه شکست محاسبات اولیه آن‌هاست.

■ ایران؛ پیروز میدان افکار عمومی جهان

به باور عضو اتاق فکر بروکسل، یکی از مهم‌ترین اتفاقات ماه‌های اخیر، تغییر نگاه افکار عمومی جهان نسبت به ایران بوده است.

امروز در بسیاری از نقاط جهان، پرچم ایران تنها یک پرچم ملی نیست؛ نماد ایستادگی در برابر سلطه و زورگویی است. مردم جهان تاریخ ایران را می‌بینند، تمدن ایران را می‌بینند و متوجه شده‌اند ایران از چیزی فراتر از منافع سیاسی روزمره دفاع می‌کند.

وی می‌افزاید: در کشورهای مختلف، به‌ویژه در اروپا، نگاه‌ها نسبت به ایران در حال تغییر است. بسیاری از مردم دیگر روایت‌های رسمی رسانه‌های غربی را بدون پرسش نمی‌پذیرند و تلاش می‌کنند واقعیت‌ها را زاویه‌های مختلف ببینند. بهشتی معتقد است: حضور و ایستادگی مردم ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در این تغییر نگاه داشته است. او می‌گوید: جهان دید که ملت ایران در شرایط دشوار، انسجام خود را حفظ کرد. این تصاویر در حافظه افکار عمومی جهان باقی خواهد ماند.

■ فروپاشی روایت رسانه‌ای غرب

بهشتی یکی از مهم‌ترین بحران‌های امروز غرب را بحران اعتماد عمومی می‌داند و می‌افزاید: شبکه‌های رسانه‌ای و مراکز قدرت جهانی سال‌ها تلاش کردند روایت واحدی از جهان ارائه دهند، اما امروز این سازوکار با بحران جدی مواجه شده است. مردم جهان بیش از گذشته می‌توانند تفاوت میان واقعیت و تبلیغات را تشخیص دهند.

او ادامه می‌دهد: افکار عمومی جهان شاهد بوده است که چگونه بسیاری از روایت‌های رسانه‌ای با واقعیت فاصله داشته‌اند. به همین دلیل آن امپراتوری رسانه‌ای که قرار بود افکار عمومی را مدیریت کند، امروز با بحران مشروعیت روبه‌رو شده است.

واکنش به توافق به جز مخالفان و موافقان سنتی مذاکره و توافق با آمریکا، سویه‌های عمومی تری پیدا کرده است

از نگرانی مقدس تا اختلاف افکنی فرصت‌طلبان



جنگ قرار دارد، جزو برساخت‌های پرتکرار از جنگ اخیر در توصیفات جهانی از آن است.

■ پنجره‌ای برای خروج موقت از بحران

در داخل آمریکا، دو جریان به صورت ویژه در حال شماتت ترامپ یا بیان روایتی معکوس از روند ظاهری توافق هستند. یک جریان، دموکرات‌ها و قبیان رئیس جمهور آمریکا هستند که از این فرصت برای زیر سؤال بردن صلاحیت‌های حکمرانی ترامپ استفاده و او را د قاب بازنده تصویرسازی می‌کنند.

جریان دیگر، کانون‌های متصل به صهیونیست‌ها همچون بنیاد دفاع از دموکراسی بوده که در پی خوانشی متفاوت از توافق به این شکل است که ترامپ در صورت ن‌دادن به چنین توافقی، حکم مرگ سیاسی خود را امضا کرده است بنابراین توافق، واقعی و پایدار نیست بلکه پنجره‌ای برای خروج موقت از بحران با هدف باز یابی ذخایر انرژی و تسلیحاتی است.

■ برتری محسوس به نفع ایران

در سرزمین‌های اشغالی یا توجه به در پیش رو بودن انتخابات کنست وتلاش چهره‌هایی همچون نفتالی بنت برای تصاحب اکثریت و بدست گرفتن نخست‌وزیری، راهبرد سه سال اخیر نتانیاهو در قبال تهدیدها علیه رژیم صهیونیستی، فرسایشی شدن جنگ‌ها و متعاقب آن توافق آمریکا با ایران به عنوان مجموعه‌ای از راهبردهای شکست‌خورده نظامی و سیاسی از طرف رقبای او بیان می‌شود. در مقابل، نتانیاوه همچنان بر کمپین جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای سوار است و تلاش می‌کند جنایت‌های خود را در قالب کاهش مؤثر تهدیدها علیه اسرائیل صورت‌بندی کند.

پیش از ورود به ارزیابی وضعیت افکار عمومی ایران و در یک جمع‌بندی از بازتاب‌های جهانی از جنگ و سپس حرکت آمریکا به سمت دستیابی به یک توافق، به نظر می‌رسد روایت



ایران و آمریکا سرانجام در بامداد دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۵ به صورت دیجیتال امضا شده. هنوز متن یادداشت به صورت رسمی منتشر نشده است و طرفین وعده داده‌اند پس از نهایی شدن تشریفات و امضای حضوری آن، متن را منتشر کنند اما در هر دو طرف، مقامات منتظر امضای نهایی و انتشار متن کامل نماندند و روایت توافقی از نگاه خود را آغاز کردند.

■ استقبال از دور شدن سایه جنگ

در طرف آمریکایی، ترامپ متونی را در صفحه تروث سوشال خود منتشر و در حاشیه حضور خود در ملاقات‌ها و برنامه‌های کاخ سفید روایت خود را از ماجرا بیان کرد. همچنین جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور که رئیس هیئت مذاکره‌کننده آمریکایی است یک روز پس از امضای دیجیتال، چهار مصاحبه تلویزیونی انجام داد. البته در این میان، غیبت مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا در میدان روایت توافق مشهود است.

در طرف ایرانی، رئیس جمهور و رئیس مجلس که رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایرانی است مطالبی در صفحات مجازی خود منتشر کردند و وزیر امور خارجه نیز در گفت‌وگوی ویژه خبری جمعه ۲۲ خرداد جزئیات بیشتری از توافق پیش‌رو را بیان کرد. واکنش‌های جهانی به این توافق غالباً با رویکرد استقبال از دور شدن سایه جنگ و بازگشت مسیرهای حمل و نقل و مبادله کالا و انرژی به شرایط عادی است. به علاوه، تصویر آمریکای ناکام در دستیابی به اهداف اعلامی خود از جنگ با ایران و برجسته‌سازی گزاره تحمیل دستور کار جنگ از طرف اسرائیل و نتانیاوه به کاخ سفید بدون ارزیابی کامل از پیام‌ها و عواقب آن و همچنین تصویر ایران برون‌آمده از جنگ در برابر دو قدرت متجاوز که اکنون بدون تسلیم در برابر خواسته‌های آمریکا و حتی تحمیل خواسته‌های خود در قالب توافق، در طرف پیروز

خبر

دبیر کل حزب الله لبنان در نامه‌ای به قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با تأکید بر اینکه ایران نماد عزت و شرف است، اظهار کرد: کلمات از بیان سپاس عمیق ما نسبت به مواضع قوی و حمایت‌گرانه از لبنان ناتوان است.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از الاعلام الحرבי؛ شیخ نعیم قاسم، دبیر کل حزب الله لبنان در نامه‌ای به قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران گفت: کلمات از بیان سپاس عمیق ما نسبت به مواضع قوی و حمایت‌گرانه از لبنان و مقاومت و الزام رژیم اسرائیل به توقف عملیات نظامی در تمام جبهه‌ها از جمله لبنان به‌عنوان بند اول و اساس توافق میان ایران و آمریکا ناتوان است.

روزشمار جنگ | روز صد و نهم

گروه سیاسی | صد و نهمین روز از آغاز تقابل، در حالی که رئیس‌جمهور آمریکا در نشست گروه هفت تلاش می‌کرد این تفاهم را به عنوان یک «دستاورد تاریخی» به رهبران غربی و افکار عمومی خود بفروشد، اظهارات او علیه متحد استراتژیکش (رژیم صهیونیستی) و هشدار قاطع ایران درباره جبهه لبنان، نشان‌دهنده لغزنده بودن این توافق است. جهان دریافته که توافق با ایران، تنها پایان یک محاصره دریایی نیست؛ بلکه نقطه آغازی است برای تنظیم روابط قدرت در خاورمیانه، جایی که واکنشگتن برای حفظ ثبات اقتصاد انرژی، ناچار است ماشین‌کش‌کُتار تل‌آویورا مهار کند.

■ امضای الکترونیک و معمای اعتماد

آمریکا تمایل دارد با اعلام خبر امضای مجازی یادداشت تفاهم پیش از موعد، رهایی از بحران را به شهروندان آمریکایی بفروشد. با این حال مجید تخت‌روانچی، دیپلمات ارشد ایرانی با صراحت تأکید کرد در این تفاهم‌نامه، مکانیسم ویژه‌ای برای تضمین پایان عملیات نظامی در «تمامی جبهه‌ها از جمله لبنان» گنجانده شده

مذاکراتی، کشورمان آماج حمله نظامی شد. کدام عقل سلیم است که در مواجهه با این تجربه دردناک و همچنين وضعيت شکننده متجاوزان در افکار عمومی دنيا و کشورهای خود که ممکن است آن‌ها را وادار به حماقت‌های جديد کند، نگران نباشد؟ نگرانی از این منظر یک واکنش طبیعی و عقلایی و لازمه حزم و دراندیشی است.

در عین حال، افکار عمومی ما از یک ناحیه دیگر نیز دچار نگرانی و دغدغه شده است. برخی فعالان و تریبون‌داران سیاست داخلی با ترویج فرضیاتی همچون تحمیل مذاکره و توافق به رهبری و یا فراتر از آن، ادعای دور زدن رهبری توسط برخی مسئولان کشور، افکار عمومی را نگران و ملتهب کردند. این افراد برای معتبرسازی فرضیات خود غالباً به برجام به مثابه تجربه‌ای ناکام ارجاع می‌دهند و فرضیه خود را این‌گونه صورت‌بندی می‌کنند که در آن مقطع نیز کارگزاران سیاسی و دولت وقت خارج از اراده و چارچوب مورد نظر رهبری، برجام را به کشور تحمیل کردند. همچنین برای اثبات امکان تحمیل به رهبری، به تاریخ اسلام و حوادثی همچون حکمیت و صلح امام حسن (ع) و معاویه نیز استناد می‌شود. متأسفانه مروجان این نگاه به شرایط و وضعیت کنونی کشور ووجه متعدد افتراق با نمونه‌های فوق‌الذکر توجه دارند و نه به عوارض اظهارات خود در ایجاد ناامیدی و تردید و بددلی در جامعه.

■ پرهیز از تبدیل کردن اختلافات به موضوع تنازع

شرایط و وضعیت فعلی جمهوری اسلامی از لحاظ نظامی و اثبات توان دفاع از کشور و ضرب زدن به متجاوز و در اختیار داشتن غیر قابل سلب ابزارهای کنترلی همچون تنگه هرمز مورد اعتراف جهانی است. همچنین وفاداری نیروهای مسلح و آمادگی آن‌ها برای فداکاری و جانفشانی، آمادگی و روحیه وصف‌ناپذیر ملت، همراهی و همدلی مسئولان حول رهبری و معظم انقلاب و منافع ملی، رگوردهای جدیدی در تاریخ ملی ماثبت کرده است. عنصر سیاسی فرصت‌طلب ویا کم‌مایه‌ای که قادر به درک این تفاوت‌های آشکار نیست و بدون اطلاع از محدودیت‌ها و نیازهای کشور و در حالی که نه مسئولیت مشخصی در امور اجرایی و رتق و فتق امور کشور دارد و نه در بخش نظامی و دفاع از ایران جایگاه و شأنیت و اطلاعات کافی دارد، بی‌محابا دست‌اندرکاران این بخش‌ها را آماج تهمت‌ها و آزر و زینداری‌های خود می‌سازد و اگر چه در جلوگیری از رقم خوردن آنچه به امید پروگرا در مایه خبر عمومی است توفیعی نداشته اما متأسفانه موجب آسیب‌هایی به انسجام ملی و مهم‌تر از آن رقم خوردن آنچه مورد نهمی رهبر معظم قرار گرفته بود یعنی ایجاد یأس، بددلی و تردید در جامعه به‌خصوص بدنه حامی ایران و انقلاب شده است. رویکرد افرادی که با هر انگیزه و نیتی، پیکان بی‌اعتمادی را به داخل و مسئولان کشور برمی‌گردانند به‌خصوص در شرایط فعلی، کاملاً ناهم‌وجه است. به یاد داریم که در اوج مذاکرات برجام، رهبر شهید در مواجهه با کسانی که در پی متهم‌سازی تیم مذاکره‌کننده ایران بودند با قاطعیت صفتانی همچون انقلابی، مؤمن، شجاع و غیره را به آن‌ها نسبت دادند و اجازه ندادند ابزارهای مبارزه کشور در میدان دیپلماسی گُند و یا اثر بی‌اثر شود. مردم یکی از سه رکن اصلی پیروزی ایران در جنگ اخیر در کنار دو رکن دیگر یعنی قدرت دفاعی (موشک و نیروهای مسلح جان برکف) و قدرت منطقه‌ای (تنگه هرمز و عملیات مشترک جبهه مقاومت) بودند. خالی کردن دل مردم با وسوسه‌های همچون تحمیل به رهبری، علاوه بر آنکه سبب کاهش قدرت ملی و برخلاف دستور صریح رهبری به پرهیز از تبدیل کردن اختلافات (حتی اختلافات موجه) به موضوع تنازع و تفرقه است، به تصویر اقتدار رهبر شجاع و عاقل و در صحنه کشور نیز آسیب وارد می‌کند که این خود، خطایی بزرگ و غیر قابل اغماض است.

در نامه شیخ نعیم قاسم به قالیباف مطرح شد

حمایت تمام‌قد حزب‌الله از دیپلماسی قهرمانانه ایران

وی در این نامه اشاره کرده است: شما با رقه امید یگانه و کارآمد برای قطع دست تجاوزگری اسرائیل و آمریکا علیه لبنان را به حقیقتی تبدیل کردید که به جهان ثابت کرد ایران، یاور حق، مقاومت و مستضعفان است. اگر دیگران نیز راه ایران را در پیش می‌گرفتند، آمریکا و اسرائیل اینچنین سرکشی نمی‌کردند و اشغالگری صهیونیستی تا به امروز بر سینه سرزمین فلسطین و قدس سنگینی نمی‌کرد. وی افزود: ایران به ما حق انتخاب، قدرت برای آزادسازی سرزمینمان، التیام زخم‌های جامعه‌مان و کمک

شهیدان امت، سیدحسین نصرالله (رضوان الله علیه) و مجروحان و اسیران، از شما به عنوان مذاکره‌کننده ارشد، به‌همراه تیم مستقیم شما، از جمله دکتر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه تشکر می‌کنم. همچنین در خواست دارم مراتب سپاس و امتنان ما را به محضر رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای (دام‌الله) که ما را مشمول عنایات خویش قرار دادند و برکات و حمایت‌های شهید امام خامنه‌ای (ره) را در وجود ما زنده کردند، و همچنین به جناب آقای دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور محترم و دوستدار مقاومت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - این نیروی نوانی که با صلابت خود معادلات را تغییر داد - و ارتش، نخبگان و تمامی فعالان رسمی و مردمی ابلاغ فرمایید.

معماری یک توافق واقع‌گرایانه

چرا واکنشگتن مجبور شد به نتانیاوه کارت زرد بدهد؟

جی ۷، با انتقاد از عملکرد نخست‌وزیر اسرائیل در لبنان، اظهار کرد: «نتانیاوه باید مسئولانه‌تر رفتار کند... من از حمله اخیر به بیروت راضی نیستم و این را به او گفته‌ام». این انتقاد علنی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا، نشان‌دهنده بروز شکاف میان دو متحد قدیمی است. واکنشگتن که درگیر تورم، فشار افکار عمومی (کاهش محبوبیت ترامپ) و خطر رکود اقتصادی جهانی است، به شدت نیازمند اجرای کامل این توافق و بازگشایی تنگه هرمز است. در مقابل، کابینه رادیکال نتانیاوه (با چهره‌هایی نظیر بن‌گور و اسموتریچ) بقای سیاسی خود را در تداوم جنگ و گسترش بحران به لبنان و سوریه می‌بندد.

اخطار ترامپ به تل‌آویو، یک پیام روشن دارد؛ کاخ سفید دیگر حاضر نیست هز بنه ماجراجویی‌های منطقه‌ای اسرائیل را با نفت ۱۰۰ دلار و از دست دادن بنیامین نتانیاوه بود. ترامپ در حاشیه نشست

انتخابات میان‌دوره‌ای بپردازد.

■ توهم «پیمان ابراهیم» و واقعیت هرمز

با وجود این واقع‌بینی مقطعی در قبال اسرائیل، ترامپ همچنان درگیر خطاهای شناختی عمیق در قبال خاورمیانه است. ادعای او مبنی بر اینکه «ایران می‌تواند پس از امضای توافق، به پیمان ابراهیم بپیوندد»، نشان از عدم درک ریشه‌های ایدئولوژیک و استراتژیک مقاومت در منطقه دار. ایران کشوری نیست که با یک تفاهم‌نامه موقت ۶۰ روزه، هویت امنیتی و اتحادهای منطقه‌ای خود را تغییر دهد.

در مقابل این رویاردازی‌ها، واقعیت روی زمین در تنگه هرمز در حال تثبیت است. نیروی دریایی سپاه پاسداران با اعلام عبور هماهنگ‌شده ۲۶ شناور تجاری، نشان داد مدیریت این آبراه حیاتی، اکنون بر اساس پروتکل‌های ایران انجام می‌شود. اظهارات سردار علی عبداللهی مبنی بر اینکه «امنیت در خلیج فارس یا بری‌الیه همه است یا هیچ کس»، دکترین بازدارندگی ایران را به عنوان یک قاعده تخطی‌ناپذیر در منطقه نهادینه کرده است.